



حمید ضرابی

(مدیر مسئول و سردبیر)

info@ashian.ca

## حرفی از هزار... با صاحب‌دلان / سرمقاله

چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود

ندانستم که این دریا چه موج بیکران دارد

(حافظ)

## سخنی به بهانه‌ی دوسالگی آشیان

فرهنگی و اجتماعی جامعه را که شدیداً به وفاق و همدلی و همبستگی ضرورت دارد تیره می کند. خصوصاً چگونه می توانیم با داشتن چنین موضع گیری های پر تنش سیاسی نسبت به همدیگر، این انتظار را از نسل جوان داشته باشیم که به ارزشهای فرهنگی شان پایبند باشند. از همین رو آشیان کوشیده است تا خالصتاً به مسائل فرهنگی که نقشی فراتر از مرزهای جغرافیایی دارد، مخصوصاً به مشکلات فرهنگی و خانوادگی جامعه‌ی افغان مقیم کانادا، بپردازد.

و اما قدردانی از همکاری های خالصانه‌ی همکاران تحریریه‌ی آشیان مطلب دومی است که باید در آستانه‌ی دوسالگی آشیان بدان پرداخت. بی گمان اگر دست تعاون این عزیزان نبود، آشیان هیچ گاه غنایی این جنبی نمی داشت و هیچگاه نمی توانست، سر از چکاد موفقیت بدرآورد. به نظر من زحمات این عزیزان و هرکسی که در راستای فرهنگ، ادب و هنر جنب و جوشی دارد با توجه به فضای «مادی» حاکم بر جامعه، قدر و ارزشی چندین برابر دارد. همه می دانیم که در دنیای «وانفاس»ی کنونی اکثر انسان ها با کشیدن «حصاری» تنگ به دور خویش، به سوی «خود محوری» و «خود پروری» محض، در حرکت اند و اساساً کار فرهنگی از بن و ریشه به معنای ضیاع وقت، نیرو و توان فکری و ذهنی به حساب می آید! در چنین آشفته بازاری، می بینیم عده ای اگر فارغ از دغدغه های «سود و سود» دست به دست هم می دهند و با شوق و اشتیاق، کمر همت می بندند تا آشیان علم، فرهنگ و هنر مملکت در دور دستهای دور همچنان سبز و آباد بماند. واقعا دست مریزاد!

خوب است به صراحت قدر دانی کنیم از خیل بزرگواران و فرزاندانی که از مدت دوسال به این سو با شور و اشتیاق قلبی و با اخلاص و ولع خاص و با خامه های توانمند شان، خشت خشت آشیان را با حوصله مندی، یکی یکی روی هم گذارده و آشیان را به این آبادی رسانیده اند که امروزه یک نشریه ی آبرومند فرهنگی و خانوادگی در خارج از مرزهای کشور مبدل گردیده است؛ باور کنید شور و اشتیاقی که من در شماری از همکاران می بینم، همیشه از من رفع خستگی کرده و مشوقم بوده است برای استمرار کار و فعالیت موثرتر و بهتر. خداوند آشیان همه‌ی این خدمت گزاران به فرهنگ و هنر را همیشه سر سبز و آباد داشته باشد. امیدوارم آشیان، با همکاری این فرهیختگان گرامی بتواند گام های موثر تر در راه اعتلای فرهنگی جامعه برداشته و خواندنی تر از پیش گردد.

از آن عده از دوستانی که به نحوی از انحاء آشیان را در این مدت یاری رسانیده اند، سپاسگزارم. خداوند بر توفیق و تائید شان بیفزاید.

آشیان تان همیشه سرسبز و آباد باد!

عقرب ۱۳۸۴ / نوامبر ۲۰۰۵

آشیان دوسال از عمرش را پشت سر گذاشت و وارد سومین بهار زندگی اش شد. ارزیابی ها و اظهار نظرهای نویسندگان و فرزندان را در این باب در لایه لای صفحات این شماره خواهید خواند. من به همین مناسبت به بیان دو نکته بسنده می کنم.

اولاً جای خرسندی است که آشیان هم چنان به اصول اولیه اش یعنی صلاهی وصل، هم دلی، عطوفت و مهرورزی، پای بند است. و این یقیناً همان چیزی است که مردم ما در این مقطع زمانی بدان نیازمندند؛ در دنیایی که چشمه های عاطفه و مهر ورزی در آن روبه خشکی نهاده و مردم ما نیز به دلیل اثر پذیری از عوامل محیط پیرامون خویش در حال «شدن» به سوی «ماشینی شدن» هستند؛ بودن رسانه ای که بتواند غنای فرهنگی «خودی» را در خاطره ها زنده بسازد و مضرات زندگی کنونی را تا حدودی گوشزد نماید، بدون گمان کاملاً ضروری و حیاتی است. به نظر من عمده ترین دلیل استقبالی که از آشیان در طول این مدت از سوی قاطبه‌ی اقشار مردم به عمل آمده نیز همین بوده است که آشیان بر اساس نیاز فرهنگی و اجتماعی جامعه پیش رفته و در حدود امکاناتش مطالب مورد نیاز جامعه را ارائه کرده است.

البته در خلال این مدت گاه پیشنهاد هایی هم از سوی بعضی دوستان «سیاست پسند» صورت گرفته که آشیان باید وارد حوزه‌ی سیاسی نیز بشود و مطالبی در این باب نیز داشته باشد؛ با این استدلال که سیاست نیز جزو و لازمه‌ی زندگی است. من در این که ما بی نیاز از سیاست نیستیم، شکی ندارم و تا حدودی هم مطالب تحلیلی و بی طرفانه را با توجه به روند جریانات داخلی کشور در آشیان منتشر کرده ایم. اما من به این نکته سخت باور دارم که نشریات ما باید تخصصی تر با قضا یا بر خورد کنند. به عبارت روشن تر، یک نشریه نمی تواند همزمان به هر دو مقوله‌ی «سیاست» و «فرهنگ» به طور تخصصی و بایسته‌ی آن بپردازد. پس بهتر است هر نشریه ای نقطه های خالی ضرورت های جامعه را پر سازد. از طرفی من بر این باور نیز هستم که سیاست چیزی است که در محدوده‌ی خود افغانستان می تواند مصداق عملی پیدا کند؛ ما هیچ گاه نمی توانیم برای مردم افغانستان از این فاصله های دور تعیین تکلیف سیاسی و یا به آنها راه و روش مطلوب سیاسی را القاء کنیم. این کار به نظر من به آب در هاون کوبیدن می ماند. مطلب مهم تر این که در حوزه‌ی گرایش های سیاسی ما آن قدر، تعصب، عقده و کینه وجود دارد که ناگزیر به جای ارائه‌ی تحلیل های بی طرفانه سیاسی، برای اثبات حقانیت گرایش ها و اعتقادات مطلوب خویش به جان همدیگر می افتیم و سرانجام کار به هتاکه نسبت به همدیگر می انجامد، بدون این که بتواند کوچک ترین تأثیر و یا نقش را در فضای جاری سیاسی افغانستان داشته باشد. طبیعی است که این تنش ها، فضای